



## جامعه شناسی: نظری به انواع خانواده در ایران

پدیدآورنده (ها) : بهنام، جمشید

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات جامعه شناختی :: دوره قدیم، زمستان ۷۴۳۱ -  
شماره ۲ (ISC) از ۰۷ تا ۷۸ آدرس ثابت :

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۹۴۱۳۲>

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

### نظری به انواع خانواده در ایران

دگرگونی خانواده ایرانی در نیم قرن اخیر آرام و کند اما مستمر و قاطع بوده است. زمانی دراز شکلی از خانواده در این سرزمین وجود داشت که جامعه‌شناسان آن را با اصطلاح کلی «خانواده گسترده» وصف کرده‌اند. خانواده‌ای بود بر اساس شرایع اسلامی و سنتهای ایرانی. خانواده‌ای که مذهب و سنت و شیوه تولید اقتصادی جوامع کشاورزی سبانی آن را تشکیل می‌داد. این خانواده بر اساس پدرتباری و «پدرمکانی» و اولویت جنس مذکر استوار بود و سازمان مرتبی داشت که زیر نظر پدر اداره می‌شد. خانواده واحد تولید و مصرف بود و این امر تنها در روستاها بلکه در شهرها نیز، که مراکز مهم صنایع دستی بودند، به چشم می‌خورد. منزلت اجتماعی زن ناچیز بود و به فرزند آوردن و انجام کارهای خانگی و گاهی کشاورزی و نساجی محدود می‌شد. فرزندان نام و نشان از پدر می‌بردند و سرای خانوادگی نسلهای متعدد را در خود جای می‌داد و پاسدار سنتها بود. مقررات ازدواج و طلاق و ارث و نگهداری فرزندان و مانند آن بر اساس فقه اسلامی استوار بود و روابط افراد خانواده بر سلسله مراتبی مبتنی بود که همه قبول داشتند.

برخورد با تمدن صنعتی غرب و نتایج آن که عبارت از تغییرات ساخت اقتصادی جامعه، رواج شهرنشینی، و دخالت دولت باشد، در چند دهه اخیر موجب تغییرات عمده در این شکل از خانواده و، خصوصاً، شکل شهری آن شد. و ما شاهد این تحول هستیم.

نفوذ تمدن غرب که گاهی صورت تقلید بدون قید و شرط نیز به خود می‌گیرد بیش از همه در روابط زن و مرد و پدران و فرزندان به چشم می‌خورد. روابط زوجین، لاقط در محیطهای شهری، شکلی تازه به خود گرفته و زن به عنوان همدم و همکار مرد پذیرفته شده است. مدرسه به کمک خانواده آمده و گاه تعالیم آن با تعالیم خانواده تضاد پیدا کرده است. تغییرات اجتماعی روز بروز سریعتر شده و افکار تو و گاهی نیز آداب و رسوم بسخ شده غرب از طریق مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سینما در اختیار نسلهای جوانتر درآمده است. اسکانات «تحرک اجتماعی» موجب رشد طبقات متوسط در شهرهای ایران شده و آموزش

عمومی و تخصصی مشاغل جدیدی را به وجود آورده و صاحبان این مشاغل جدید (در صنعت و خدمات) رفتارهای تازه و راه ورسم دیگری یافته‌اند. همچنین «تحرک مکانی» کارگران و روستاییان لزوماً ابعاد خانواده را دگرگون کرده است.

دخالت دولت در امر خانواده نیز اهمیت بسیار دارد. اعلام تساوی حقوق مرد و زن، امکان انتخاب شدن و انتخاب کردن زن، و نیز قانون حمایت خانواده را باید از جمله این اقدامات دانست.

چنین وضعی موجب شده که از سالها پیش تغییراتی از درون در خانواده بروز کند و اندک اندک قبول عامه پیدا کند و دخالت دولت نیز در جهت تقویت این گرایش بوده است. اما برخی از شکل‌های قدیمی خانواده هنوز در برابر این تغییرات مقاومت می‌کند. بدینسان، در جامعه کنونی ما انواع خانواده و انواع رفتارهای خانوادگی در کنار هم به چشم می‌خورد.

### همزیستی انواع خانواده

یکی از خصوصیات اجتماعی ایران امروز همزیستی انواع خانواده‌ها در سه محیط شهری، روستایی، و ایلی است. نکته اساسی قبول این واقعیت است که خانواده در این سرزمین در حال دگرگونی است، ولی بیان این دگرگونی و توصیف شکل‌های امروزی آن با برخی اصطلاحات رایج چون «خانواده هسته‌ای» و یا «خانواده گسترده» چنانکه باید و شاید چگونگی این خانواده‌ها را آشکار نمی‌سازد و گاهی نیز ممکنست کسانی را که در ذهن خود تعاریفی خاص از این اصطلاحات دارند، گمراه کند.

در این نوشته کوشش شده است که تا حد مقدور فهرستی از انواع خانواده در محیط‌های سه گانه آورده شود. مراد از این فهرست بهیچوجه عرضه کردن طبقه‌بندی کاملی از خانواده ایرانی نیست و فقط به این امید تهیه شده که شاید محققین را در تکمیل چنین طبقه‌بندی‌سازی کند؛ زیرا به گمان ما، سعی در شناخت واقعی انواع خانواده بسیار اساسی‌تر و پرتأثیر از مباحث نظری و کلیبی است که در سال‌های اخیر درباره مقایسه خانواده ایرانی با انواع خانواده غربی در گرفته است.

با توجه به آنچه گفته شد، نخست به توصیف انواع خانواده می‌پردازیم و سپس عوامل این تنوع را مطرح خواهیم کرد.

#### الف) خانواده در شهر

هر چند به دلایل گوناگون، چون صنعتی شدن، درجه شهرنشینی، وضع اکولوژیک شهرها، کار زنان، مهاجرت، و... اکثریت قریب به اتفاق خانواده‌های شهری، خصوصاً در تهران و چند شهر بزرگ، به ظاهر کوچک وزن و شوهری به نظر می‌آیند، ولی شبکه‌های خویشاوندی

وسیع بر این خانواده‌های کوچک تسلط خود را حفظ کرده است. انواع خانواده‌ها در این محیط شهری را به ترتیب زیر می‌توان فهرست کرد:

۱. خانواده مستقل زن و شوهری بدون ملحقات: این خانواده ایست نوسکان، شغل رئیس خانوار معمولاً در خدمات بالا و یا مشاغل آزاد است. انتخاب همسر آزادانه و یا با موافقت سمبولیک خانواده بزرگ است. استقلال مالی دارد و تعهدات اجتماعی آن ناچیز است. زن و مرد به عنوان دو همسر و به تساوی زندگی می‌کنند.

۲. خانواده مستقل زن و شوهری با ملحقات: این نوع خانواده در محیطهای شهری به خاطر تجزیه شدن خانواده گسترده قدیم زیاد دیده می‌شود. غالباً پدر و مادر پیر و سالخورده به خانواده زن و شوهری ملحق می‌شوند و تا زمانی که وضع سالخوردگان سرو سامان نگیرد و سازمانهای اجتماعی خاص برای این جماعت به وجود نیاید، این سالخوردگان چاره‌ای جز زندگی با فرزندان خویش ندارند. نان‌آور خانواده معمولاً خانواده زن و شوهری است، ولی اگر برادر یا خواهر با خانواده زندگی کنند ممکنست درآمدی به خانواده بیاورند.

۳. خانواده پدری توسعه یافته: که عبارت باشد از شوهر، زن، بچه‌ها، زن پسر، فرزندان پسر یعنی خانواده‌ای که یک یا چند پسر متأهل خانواده با پدر و مادر خود در آن زندگی می‌کنند و بیشتر در شهرهای ولایتی ایران به چشم می‌خورد. در اینجا قدرت خانواده در اختیار پدر و مادر اصلی است ولی ممکنست پسران خانواده به بودجه خانواده کمک مالی کنند.

این نوع خانواده بیشتر در میان کارمندان قدیمی دولت، بازرگانان، ملاکین سابق املاک سزوعی دیده می‌شود. مرد نقش برتری را دارد، همسرگزینی با موافقت خانواده انجام می‌گیرد، تعهدات اجتماعی بسیار زیاد است.

تعداد افراد این نوع خانوار ممکنست نسبتاً زیاد باشد. مطابق سرشماری ۱۳۴۵، از ۱،۹۶۰،۰۰۰ خانواده شهری تعداد خانوارهایی که پدر و مادر و فرزندان ازدواج کرده بدون نوه زندگی می‌کرده‌اند ۲ هزار، و پدر و مادر و فرزندان ازدواج کرده بانوه ۶ هزار بوده‌است. این نوع خانواده را شاید بتوان «خانواده گسترده» نامید.

۴. خانواده زن و شوهری مستقل مهاجر: این خانواده‌ها بیشتر از مهاجرین روستایی تشکیل می‌شود، که فعلاً در شهرها در خدمات جزء و یا صنایع ساختمانی مشغول به کار هستند. شبکه خویشاوندی بر آنها تسلطی ندارد. این نوع خانواده گاهی نیز ممکنست دارای ملحقات باشد (برادر یا خویش و وابسته‌ای که از ده آمده و با این خانواده زندگی می‌کند).

۵. شبکه خویشاوندی: و بالاخره، شبکه خویشاوندی است، که نمی‌توان آن را در ردیف سایر انواع خانواده آورد، بلکه مسلط است بر خانواده‌های کوچکتر و تشکیل می‌شود از

خانواده‌های زن و شوهری و یا پدری توسعه یافته (مادری و یا پدری) که روابط و تعهدات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی مختلفی آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. معمولاً مستترین فرد (مرد یا زن) شبکه خویشاوندی سمت ریاست معنوی دارد. خانواده‌های وابسته به این شبکه، که اصطلاحاً «خاندان» نامیده می‌شوند، در بعضی شهرها حتی در محلات خاصی زندگی می‌کنند (مطالعاتی که در شهر آمل و اراک انجام شده این واقعیت را نشان می‌دهد). این شبکه خصوصاً در مواقع عروسی، مرگ و عزاداری، مراسم سالیانه و همچنین در مواقعی که کمک اقتصادی به یکی از اعضای آن لازم آید دخالت می‌کند. وجود این شبکه هنوز در مسکنی که روابط چهره به چهره اهمیت دارد در پیشبرد امور زندگی افراد و گشودن مشکلاتشان بسیار مؤثر است.

### ب) خانواده در روستا

در روستا می‌توان انواع زیر را نام برد:

۱. خانواده زن و شوهری مستقل: خانواده‌هایی هستند که به علت عدم تعلق به ده وابسته به شبکه خویشاوندی نیستند. اینها بیشتر از خانواده خوش‌نشین و پیله‌ور تشکیل شده‌اند. خوش‌نشین‌ها کسانی هستند که نسبت به جامعه بومی ده بیگانه محسوب می‌شوند و برای کار به عنوان کارگر مزدور در ده به سر می‌برند و پیله‌ورها دکاندار ده هستند و یا بعضی خدمات دیگر انجام می‌دهند. با تغییراتی که در روستاها پدیدار شده باید انتظار افزایش این نوع خانواده‌ها داشت (مانند خانواده راننده تراکتور، سروج روستایی، متصدی برق، و...). این انواع جدید خانواده در ابتدا منشاء شهری دارند و سپس ممکنست خود روستاییان به این مشاغل بپردازند.

۲. خانواده زن و شوهری به‌ظاهر مستقل: خانواده‌ای است به‌ظاهر مستقل از زن و شوهر و بچه‌ها در یک خانه (گاهی خانه عبارت از یک‌اطاق است) ولی زیر نظر خانواده گسترده پدری است که در جنب آن زندگی می‌کند. معمولاً رئیس این خانواده جزء واحد اقتصادی تولید خانواده گسترده محسوب می‌شود.

۳. خانواده پدری توسعه یافته: اگر امکانات اجازه دهد، پدر و مادر اصلی با فرزندان متأهل خود مجتمعاً زندگی می‌کنند. ولی، در هر صورت، چه در شکل قبلی وجه در این شکل، این خانواده از لحاظ اقتصادی (چه فرزندان متأهل با پدر چه جدا) یک واحد را تشکیل می‌دهند. باید متذکر شد که گاهی شکل سازمان بهره‌برداری از زمین باشکله خانواده گسترده ربط پیدا می‌کند. در سیستم خرده مالکی خانواده پدری توسعه یافته است که از زمین بهره‌برداری می‌کند (مانند شمال ایران و یا آذربایجان غربی) و در سیستم بزرگ مالکی— که دهقانان بر اساس قرعه کشی قطعات زمین را کشت می‌کردند— «پنه»، که واحد مستقل کشاورزی است، گاهی بایک خانواده گسترده مترادف می‌شد. یکی از محققین طرز بهره‌برداری از زمین را در دو روستای نزدیک تهران اینطور تعریف می‌کند:

« همه اهالی ده به دوازده بنه تقسیم شده‌اند. هر یک با اسم خاصی. و هر کدام از بنه‌ها سر بنه‌ای دارند که ریش سفیدشان است و هر بنه‌ای در محلی از ده سکونت کرده، به نام بنه خود. حتی در قبرستان ده هم هرنه‌ای محل خاصی برای دفن اموات خود دارد و هرنه‌ای تقریباً یک خانوار بزرگ است که افراد آن از جانب پدر با هم نسبت دارند. ریاست بنه‌های دوازده گانه مقامی است اثری که از پدر به پسرش می‌رسد. »<sup>۱</sup>

البته نمی‌توان گفت که در همه جای ایران بنه تا این حد جنبه خانوادگی دارد، ولی مثالهای دیگری نیز، غیر از آنچه گفته شد، وجود دارد که نشان می‌دهد شاید در دهات دیگر نیز سرور زمان این وابستگی واحد کار را به واحد خانواده گسترده از میان برده باشد.

۴. خانواده زن و شوهری از هم گسیخته به علت مهاجرت شوهر و بجای ماندن زن و کودک، که گاهی بطور مستقل به زندگی خود ادامه می‌دهد و گاه درون خانواده پدری جذب می‌شود.

۵. شبکه خویشاوندی: ازدواج درون-گروه موجب شده که در بسیاری از دهات همه با هم خویشاوند باشند و یا اینکه دو یا سه شبکه خویشاوندی برده حکومت کند (این شبکه‌ها گاهی «طایفه» می‌شوند).

### پ) خانواده در ایلات

در ایلات باید خانواده را باید دیگری مطالعه کرد، زیرا خانواده گاه زن و شوهری، گاه زن و شوهری با سلحقات، و گاه خانواده پدری توسعه یافته است، که هر یک مستقل در چادری زندگی می‌کنند و گاهی نیز در خانواده زن و شوهری در زیر یک چادر. ولی عملاً این خانواده‌ها تحت تسلط واحد و سیعتری هستند (مال و یا ...). خانواده به ظاهر مستقل است ولی نظام اجتماعی، که بر اساس خویشاوندی و ساختمان ایلی استوار است، وظایف و حقوق و تعهدات خانواده را معلوم می‌کند و رابطه‌ای مستقیم میان شکل خانواده و نقش اعضای آن، از یک سو، و نظام تولید، از سوی دیگر، وجود دارد.<sup>۲</sup>

۱. جلال آل احمد، تات نشین‌های بلوک زهرا، صفحه ۲۲.

۲. دکتر نادر افشار، که مدتی است به کار تحقیق در ایلات ایران مشغول است، به درخواست نگارنده یادداشت زیر را باره نوشته است: «خانواده‌هایی که در ایلات گوسفند زیاد دارند و یا در نظر گرانین نظام تقسیم کار در ایلات نیروی انسانی آنها تکافوی نگاهداری دام زیاد را ندارد به اجبار به خانواده‌های کوچکتری تقسیم شده از یکدیگر جدا می‌شوند، چون علف پیرامون «مال» نیز تا حد معین می‌تواند جوابگوی تغلیف دام باشد. بدین ترتیب، هر خانواده سهم گوسفند خود را گرفته و از دیگران جدا می‌شود، ولی تقسیم زمین به این سادگی نیست بدینجهت، غالباً چند برادر، در ضمن اینکه هر یک صاحب گله جدا و مستقلی هستند، در کار کشاورزی بایکدیگر تعاون و همکاری دارند. برادران به کمک هم و زیر نظر پدر و یا برادر ارشد زمین را شخم می‌زنند و بذری کارند و بالاخره، محصول را درو کرده تقسیم می‌کنند. ولی چون خانواده هسته‌ای است هر یک سهم خود را برمی‌دارند و مسئول اداره خانواده خود هستند.»

هنوز نمی‌توان درباره انواع خانواده و چگونگی آن در ایلات حکمی کلی کرد و این کاری است که امروز گروهی از مردم‌شناسان ایرانی بدان مشغولند. شاید باز کر چند مثال از ایلات مختلف تا حدی تنوع خانواده‌ها و نیز وجوه اشتراک آنها روشن شود.

ایل باصری: خانواده زن و شوهری و یازن و شوهری با سلحقات و یا خانواده پدری توسعه یافته بطور مستقل در یک چادر زندگی می‌کنند. مجموعه‌ای از چادرها تشکیل واحدی به نام «اولاد» می‌دهند که منطقه چرای مشترکی دارند. تعدادی از اولادها تشکیل «تیره» می‌دهند و، بالاخره، به «ایل» می‌رسیم.<sup>۱</sup>

ایلات کهگیلویه: مجموعه چادرها تشکیل یک «سال» می‌دهند که کنار هم چادری‌زند و معمولا خویشان نزدیک هستند و نسبت به یکدیگر تعهدات و وظایفی دارند. از مجموعه «سال»ها «تش» به وجود می‌آید و بعداً، به ترتیب، طایفه، تیره، و ایل.<sup>۲</sup>

ایلات ترکمن: هر یک از خانواده‌های زن و شوهری و یازن و شوهری با سلحقات در یک آلاچیق گرد و نمدپوش به نام «ای» به سر می‌برند و هر خانواده آلاچیق خود را در کنار آلاچیق‌های خویشاوند پرپاسی کند. مجموعه این «ای»ها را، که می‌توان در واقع یک واحد گله‌دار دانست، «ابه» می‌نامند. ابه‌هایی که در فاصله یک تا چند کیلومتر در همسایگی هم مستقر شده‌اند، وابسته به طایفه کوچکی هستند که جمعیتشان گاهی از حد خانوار تجاوز می‌کند.<sup>۳</sup> همچنین است نزد ایلات دیگر و شاید همین چند سال خطوط اصلی وضع خانواده‌ها در میان ایلات ایران بیان کند.<sup>۴</sup> حتی موقعی که ایلات اسکان پیدا می‌کنند و در روستاها مستقر می‌شوند باز هم این سازمان خانوادگی و اجتماعی به جای می‌ماند. افرادی که در یک ده به سر می‌برند غالباً متعلق به یک تیره و یا طایفه هستند و با یکدیگر خویشاوندی دارند.

فهرستی که از اشکال برزخی خانواده آورده شد و اشاره مختصر به برخی خصوصیات آنها نکات زیر را روشن می‌کند:

۱. خانواده گسترده و وظایف اصلی خود را تا حد زیادی از دست داده است، ولی نمی‌توان گفت که خانواده هسته‌ای (به معنای غربی آن) اشاعه زیادی پیدا کرده است. زیرا، اگر هم از لحاظ «آماري» و «مکانی» خانواده تجزیه شده به نظر برسد (چنانکه آمارگرانی که خانوارها را مطالعه می‌کنند،

۱. ف. بارث، ایل باصری، ترجمه دکتر کاظم ودیمی، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات

اجتماعی.

۲. گزارش مقدماتی درباره ایلات کهگیلویه و بویراحمدی، مؤسسه مطالعات اجتماعی.

۳. هوشنگ پور کریم، «ترکمنهای ایران»، هنر و مردم، شماره ۶۱-۶۲.

۴. همچنین نگاه کنید به: «بامدی، طایفه‌ای از بختیاریه‌ها»، مؤسسه مطالعات اجتماعی، و

مقالات «ایل بهشی» در مجله هنر و مردم، شماره ۳۶.

ادعا می کنند) هنوز در غالب موارد به صورت خانواده با ملحقیات و تحت تأثیر شبکه خویشاوندی باقی مانده است .

۲. شبکه روابط خویشاوندی در محیط سه گانه مورد مطالعه هنوز اهمیت بسیار دارد و خانواده زن و شوهری اگر هم جدا از خانواده پدری زندگی کند گرفتار شبکه خانوادگی وسیعتری است . این شبکه گاه بر اساس روابط خویشی و گاه بر اساس روابط اقتصادی و قدرت رهبری (خصوصاً در روستاها و ایلات) بر خانواده های کوچک مسلط است .

در خانواده های مرفه و ثروتمند شهرنشین نقش شبکه خویشاوندی بیشتر است . مثلاً، اثر آن در روابط و مناسبات اداری به چشم می خورد و یاد در زمینه های سرمایه گذاری صنعتی (شرکت هایی که جنبه خانوادگی خود را حفظ کرده اند) دیده می شود .

در روستاها بسیاری از دهقانان با گروه خانوادگی وسیع روابط نزدیک خود را حفظ کرده اند ، بدون آنکه لزوماً با هم زندگی کنند و یا بطور جمعی در بهره برداری شرکت داشته باشند .

۳. چنانکه از توصیف اشکال مختلف خانواده برمی آید ، عوامل مختلفی را می توان در از هم گسیختگی شکل قدیم خانواده و پدیدار شدن انواع جدید مؤثر دانست، مانند شغل و میزان تحصیلات و طرز همسرگزینی (در محیط شهری) و مهاجرت و تغییر روابط و رفتارهای اجتماعی و تولیدی (در محیط روستا) . ولی اگر به دقت بنگریم به این نتیجه می رسیم که شاید مهمترین عوامل در این زمینه کاهش وابستگی و یا ، به زبان دیگر ، افزایش استقلال مالی و اجتماعی نسل های جدید و همچنین نقش روزافزون دولت در امر خانواده باشد .

در مورد استقلال مالی و اجتماعی باید دانست که سازمانهای اجتماعی تازه و یا شیوه های جدید زندگی این امکان را به وجود آورده اند و یا خواهند آورد (توسعات اجتماعی درمانی ، آموزش و مددکاری، امکانات وام از بانک ها، شیوه های تفریح و گذران اوقات فراغت) . دخالت دولت دو جنبه دارد، یکی مستقیم (طرح و به تصویب رساندن قوانین و مقررات گوناگون چون قانون حمایت خانواده ، مقررات مربوط به استخدام بیمه های اجتماعی ، تقسیمات مربوط به تحدید سواحل ، ایجاد مسکن و ... ) و دیگر غیر مستقیم ( ایجاد مشاغل تازه ، سیاست صنعتی، و ... )

۴. کوچک شدن ابعاد خانواده را در شهرها نباید لزوماً دلیلی برای ایجاد شکل خانواده زن و شوهری با خصوصیات غربی آن دانست و این واقعیت در زمینه هایی چون برتری مرد در امور خانواده ، شکل روابط جنسی ، تربیت فرزندان ، تفریحات ، و مانند آن دیده می شود .

۵. خانواده کوچک مهاجر (از منشاء روستایی یا شهرهای کوچک و ولایتی)، که در شهر بزرگ بسر می برد حتی پس از سالها اقامت در شهر بزرگ قادر نیست خود را با راه و رسم زندگی شهری تطبیق دهد و چون خود را در این محیط غریب و سرگردان می بیند کوشش می کند تا آنجا



که مقدور است روابط خویش را با شبکه خویشاوندی اصلی حفظ کند (همسر خود را از روستایش برمی‌گزیند، به هنگام بیماری به ده بازمی‌گردد، برای اقوامش پول می‌فرستد و از ده برایش مواد غذایی می‌فرستند) و، مخصوصاً، سعی می‌کند که کمبود روابط خویش را با انواع تازه‌ای از روابط با افراد اقلیتی که از ده یا ولایت او در شهر بزرگ زندگی می‌کنند جبران کند و بدینسان با اهالی ولایت مولد خود طرح دوستی می‌ریزد و افراد این اقلیت با کمک‌های متقابل (پیدا کردن شغل، کمک نقدی، نگهداری زن و اولاد) او را در برابر مخاطرات زندگی در جامعه بزرگ و ناآشنای شهری حفظ می‌کنند. قهوه‌خانه‌هایی که مردم ولایت خاصی در آن گرد هم می‌آیند و یا انجمنهای مردم یک ولایت، که تعدادشان در شهر تهران روزافزون است، وسایل این به هم پیوستگی هستند. حتی محلاتی در تهران و برخی شهرهای بزرگ وجود دارد که ساکنین آن اکثراً از اهالی ولایت خاصی هستند و این افراد در میان هم ولایتیهای خود احساس آرامش و امنیت بیشتری می‌کنند. تذکار این نکته لازمست که این وضع تنها در میان افراد مهاجر تازه که پیرامون شهرها به سر می‌برند دیده نمی‌شود، بلکه مراد کسانی هستند که سالها و گاه دهها سال در شهر بزرگ به سر برده‌اند.

این احساس تک افتادگی خانوادگی حتی در مورد خانواده‌های گسترده تجزیه شده شهری نیز صادق است که چون محله قدیم خود را ترک می‌گویند و در محله‌ای نوساکن می‌شوند در جستجوی روابط همسایگی تازه‌ای هستند که جانشین روابط خویشاوندی سابق و از دست رفته شود و تازمانی که سازمانهای اجتماعی این کمبودها را جبران نکنند می‌توان تصور کرد که این وضع ادامه خواهد داشت.

۶. توسعه اقتصادی و تحولاتی که در شیوه زندگی مشهود است بی‌گمان تغییرات اساسی در خانواده‌های ایران به وجود خواهد آورد. در محیط روستایی، اصلاحات ارضی و نتایج آن موجب دگرگونی بسیار خواهند شد و عوامل اصلی این تحول عبارت خواهند بود از: پدیدار شدن روابط جدید تولیدی، تقسیم اراضی میان دهقانان و تغییر ابعاد زمینهای مزروعی در آینده (باتوجه به قوانین ارث)، اشکال جدید بهره‌برداری، و تشکیل انواع شرکت‌های تعاونی و افزایش مزارع بزرگ بازراعت ماشینی.

در محیط شهری عوامل اصلی تغییر عبارت خواهند بود از: گسترش مظاهر جدید فرهنگ، افزایش میزان احتیاجات و، خصوصاً، ازدیاد غیر منطقی مصرف کالاهای ثانوی، انفرادی شدن درآمدها، برنامه‌ریزی و تنظیم اولاد، محدودیت سطح سکونی (آپارتمان نشینی) و غیره.

### چند نکته

باتوجه به آنچه گفته شد، تذکار چند نکته زیر لازم به نظر می‌رسد:

۱. هنوز تحقیقات علمی لازم درباره خانواده ایرانی به عمل نیامده است و آنچه که تا کنون

انجام شده غالباً تحقیقات آماری درباره خانوارها و یا تحقیقاتی درباره باروری بوده است .  
۲ . مطالعات آماری درباره خانوار و ابعاد آن، که بدون توجه به واقعیت‌های جامعه‌شناسی در سالهای اخیر در بسیاری از کشورهای در حال توسعه انجام شده، ممکنست ما را در شناخت خصوصیات واقعی خانواده در این کشورها گمراه کند .

۳ . بحث درباره تمایل کلی خانواده از شکل خانواده گسترده به سوی خانواده زن و شوهری، که جامعه‌شناسان غربی و یا جامعه‌شناسان کشورهای در حال توسعه در چندسال اخیر بدان علاقه زیاد نشان داده‌اند ، ساده کردن موضوع است و فقط در صورتی می‌تواند مفید باشد که شکل‌های برزخی خانواده در دوران تحول مورد مطالعه قرار گیرد و در این مورد هم به اصطلاحات محدودی که تا کنون مورد استفاده بود اکتفا نشود .

۴ . بحث درباره خانواده اسلامی بطور کلی ، که خصوصاً در میان جامعه‌شناسان غربی معمول است ، نمی‌تواند واقعیت کنونی خانواده را در کشورهای اسلامی روشن کند ، زیرا خصوصیات اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی این کشورها به قدری متفاوت است که نمی‌توان فقط دستورات کلی اسلامی را مبنای چنین تحقیقی قرارداد .

۵ . بحث کلی و نظری درباره این مطلب تحول خانواده در کشورهای در حال توسعه آسیایی ، آفریقایی ، و آمریکای لاتین لزوماً باید براساس همان الگویی صورت گیرد که در کشورهای غربی پدیدار شده است بحثی است که باید ادامه پیدا کند و عوامل و داده‌های تازه‌ای وارد آن شود .